



۵۶

سوسیالیسم امروز

۱۶ تیر ۱۳۹۷ - ۷ ژوئیه ۲۰۱۸

www.simroz.org

S_zijji@yahoo.se

سرود: سلام زنجی

ملزومات اولیه سیاسی- عملی جنبش ما برای سرنگونی رژیم کدامند؟

صفحه ۳

دولت دوازدهم، روحانی و کاسه لیسان آن بازندگان اصلی اند!

صفحه ۵

علل عدم تداوم اعتراضات چیست؟

صفحه ۶

بخشی از گزارشات و اعتراضات کارگری و توده ای در هفته ای که گذشت

صفحه ۷

از رسانه ها و صفحات دیگر:
- سرکوب و کشتار مردم حق طلب و معترض را متوقف کنید!

- بوشهر؛ ازدواج ۳۵۰ دختر زیر ۱۵ سال
و ۷ کودک زیر ۱۰ سال در سال گذشته

- احضار و بازداشت سه تن در سنندج، بوکان و کرمانشاه

- تجمعات قلعه بابک؛ تعداد بازداشت شدگان به ۱۷ تن رسید

بازتکثیر سند مصوب کنفرانس موسس حزب در باره سیاست ما در جنبش کارگری

در عرصه جنبش کارگری ضمن اینکه خود را حزب کل طبقه می دانیم اما فکر میکنیم رمز پیشروی مبارزه سیاسی اقتصادی کارگر در گرو نقش گرایش رادیکال سوسیالیستی و کمونیستی صفوف طبقه است، در گرو ایجاد تشکلهای و سازمانهایی است که متعلق به سنتهای مبارزاتی آن گرایش و جنبش پیشرو مطالباتی و سیاسی جنبش کارگری است، از اینرو سیاست پایه و کلیدی کار ما تقویت محافل پیشرو کارگری و گرایش سوسیالیست امر اول فعالیت حزب ما خواهد بود. در این راستا نقد تشکلهای راست سندیکالیست، تشکلهای ارتجاعی دست ساخت دولت مانند شورای اسلامی، خانه کارگر و انجمن صنفی ها وظیفه محوری خود می دانیم. حزب ما خود محصول این خط و گرایش سوسیالیستی و از طرف فعالین کمونیست داخل و خارج کشوری این جنبش پیشرو تشکیل شده است. نفس این اتفاق یکی از تفاوتهای بنیادی ما با جریانات اپوزیسیون سنتی چپ خارج کشوری است.

ما برعکس چپ غیر کارگری و پوپولیست موجود، کارگران را دنبال خود سیاه نمی فرستیم، آنها را دنبال انجمن های صنفی یا سندیکالیستها نمی فرستیم. به آنها نمی گوئیم به کشمکش درونی رژیم امید ببندید،

صفحه ۲ ←

کارگران جهان متحد شوید!

سند مصوب کنفرانس موسس...



به قانون کار
ضد کارگری
و یا فلان ماده
در آن امید
بیندید، به
گرایشات
قانونگرا و
سندیکالیست و
اصلاح طلب
امیدوار باشید.
تحلیل و امید
های بورژوائی

بدون اتکا به سوسیالیسم و صف جنبش طبقاتی خود و به هر قیمتی، هر سال و هر روز از رفتن رژیم سخن میگوید، یا بعد از برجام سرنگون می شود، رفتنش حتمی است و غیره را تحویل نمی دهیم. چون معتقدیم تا خود کارگر و کمونیزم و جامعه با پرچم و هدف سوسیالیستی کاری نکند هیچ اتفاقی به نفع آنها رخ نخواهد داد! حتی نمی گوئیم تمام قدرت شما در "اعتراضات خیابانی" است، اول مه تان را ببرید در دشت و کوه برگزار کنید! و از آنها عکس بگیرید. ما به چسبیدن محکم به منفعت طبقاتی کارگری علیه کلیه وجوه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و ملی دولت و طبقه حاکمه و جامعه، اتکا صرف به سیاست سوسیالیستی، به تحزب کمونیستی و باور داشتن به اهرم موثر خوبانندن چرخ تولید و اعتصاب متحد و سراسری به هدف به زانو در آوردن دولت و سرمایه داران تاکید خواهیم کرد. ما برای تشکیل یابی از جمله در شکل مجامع عمومی و شوراهای کارگری محلی و سراسری با تمام قدرت فعالیت می کنیم. تشکیلیاتی و تحزب کمونیستی کارگر را رمز پیشروی و پیروزی آن جنبش می دانیم.

حزب ما نه فقط از نظر برنامه و اهداف سیاسی و کارگری روشن سوسیالیستی که دارد، حتی از نظر عملی و ترکیب نیروی انسانی تشکیل دهندگان آن نیز جزو احزاب استثنائی است که از طرف کارگران صادق و راستین کمونیست و سوسیالیست و فعالین و جوانان چپ و انقلابی تشکیل شده است، این حزب واقعی طبقه کارگر و محرومان و استثمار شوندهگان جامعه ایران، حزب سوسیالیسم فوری و حزب انقلاب کارگری است. پیوستن به آن مایه افتخار هر کارگر و کمونیست و انسان رزمنده و انقلابی است!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۲۸ مرداد ۱۳۹۶

۱۹ آگوست ۲۰۱۷

﴿ فرم ویژه درخواست عضویت در حزب سوسیالیست انقلابی ایران ﴾

نام :

نام خانوادگی :

محل سکونت :

شغل :

علل پیوستن به حزب :

سابقه فعالیت سیاسی :

در چه زمینه ای علاقمند به فعالیت هستید؟

آیا کسی را در صفوف حزب می شناسید؟

تلفن :

ای میل :

اینجانب با قبول برنامه، اساسنامه، سیاست و اهداف حزب سوسیالیست انقلابی ایران، از حزب درخواست عضویت می نمایم. متعهد میشوم که منظمًا به حزب حق عضویت پرداخت نموده و در راستای پیشبرد اهداف حزب بطور متشکل به فعالیت خود ادامه بدهم. به حراست از امنیت و موازین و پرنسیپهای حزب متعهد بوده، و اعلام میکنم که در جهت سیاستهای حزب برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و دستیابی به یک جامعه سوسیالیستی، آزاد، برابر و مرفه با تمام توان تلاش و مبارزه نمایم.
امضا... تاریخ...

iransocialist2017@gmail.com

آدرس مایل ارسال درخواست عضویت

www.simroz.org

کشور ایران، دوبار، دو تجربه، و دو آلترناتیو ارتجاعی را در عرض یکصد سال اخیر تجربه کرده است. هم تاریخ سیستم عقب مانده و سرکوب گر شوینیستی- سلطنتی و هم تاریخ عقب مانده تر و قرون وسطی تر و جانی تر از نوع حکومت اسلامی. هر دو تجربه، تجربه مملو از خون و کشتار، و استبداد و جنایت و زندان و شکنجه و اعدام و بی حقوقی و زدن آزادی و برابری و رفاه جامعه است، هر دو ضد کارگری و کمونیستی، هر دو حافظ یک مشت سرمایه دار انگل و سرکوبگر و دزد و فاسد. اکنون نوبت این است که کارگر و جنبش سوسیالیستی مدعی باشد! باید به میدان بیاد، باید قدرت را بگیرد. راه قدرت یابی اش نیز دقیقاً پیگیری و پابی فشاری بر صف مستقل طبقاتی خود، به یک سیاست روشن، شفاف و انقلابی، درس گرفتن از تجربه سال ۵۷، پرهیز از پوپولیسم بازی و "همه با هم" بودنهای فریبکارانه، و دست بردن به ابزارهای سرنگونی طلبانه به شیوه انقلابی در بعد کارگری، توده ای، حزبی، مسلحانه، و اتکا صرف به مبارزه و سیاست و صف مستقل و واحد سوسیالیستی جنبش خود |
Iransocialist2017@gmail.com

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ملزومات اولیه سیاسی-عملی جنبش ما برای سرنگونی رژیم کدامند؟

سلام زیجی



**ملزومات اولیه سیاسی-عملی
جنبش ما برای سرنگونی رژیم**

زورشان برسد تلاش میکنند. اگر به این تصویر فلانتهای اپوزیسیون، اعم از اسلامی و آریایی را اضافه کنیم، اگر نیروهای سناریو سیاهی موجود و ذخیره شده اسلامی و قومی کنونی، که در انتظار تق و توقی بسر میبرند به این روند اضافه کنیم، اگر به مخاطرات واقعی سناریو سیاه در منطقه که می تواند به ایران نیز سرایت پیدا کند، توجه داشته باشیم، تصویر به مراتب ابژکتیو تری از روند تحولات سیاسی و ضرورت تدارک ابزارهای لازم سرنگونی رژیم اسلامی را خواهیم داشت. سرنگونی که به نفع ما تمام شود، نه هر شکلی از سرنگونی!

همچنین دردوره ای که متاسفانه علیرغم وجود پتانسیل عظیم مبارزاتی در جنبش کارگری و کمونیستی، و سی و هشت سال مبارزه بی وقفه در سایه حاکمیت اسلامی، جنبش ما هنوز فاقد تحزب واقعی و کمونیستی و تشکل مستحکم و قدرتمند توده ای خود است. هنوز ملزومات و آمادگی لازم برای ایفاء نقش تعیین کننده در به ثمر رساندن یک انقلاب کارگری و آزادیخواهانه و کسب قدرت سیاسی نداریم. در نتیجه با دیدن همه این واقعیتها است که میتوان با آمادگی و درایت واتخاذ سیاست واقع بینانه تری

"...ما کارگران و جریان سوسیالیستی واقع بین برای پایان دادن به این وضعیت، در کنار بررسی ابژکتیو کمونیستی اوضاع و تحولات، به منظور تغییر تناسب قوای نابرابر کنونی و تدارک سیاسی-عملی ملزومات سرنگونی رژیم اسلام و نظام حاکم سرمایه داری در ایران، اعلام می کنیم که لازم است سیاست و استراتژی و تاکتیک و سنت مبارزاتی جدید و بهتری را در

راس مبارزه انقلابی خود قرار دهیم. شروع یک مبارزه رادیکال سیاسی، کارگری، و آزادیخواهانه متحد و توسل به مبارزه ملیتانت و قهر آمیز علیه کل بساط جمهوری اسلامی و طبقه حاکمه را تنها راه پیروزی خود می دانیم. جنگ نهائی سیاسی و نظامی را علیه این رژیم باید شروع کرد و جامعه را به طرف سرنگونی کلیت این نظام فاشیستی به حرکت در آورد.

باید اکیدا به این مهم توجه داشت که جمهوری اسلامی برعکس رژیم سلطنت، نظامی نیست که به آسانی ذوب بشود. حتی در صورت سرنگونی رژیم چندین جریان مذهبی و فلانته مسلح و تروریست و ضد جامعه از آن باقی میمانند که در سطح کل منطقه موجودیت دارند و برای اعاده قدرت جریان اسلامی و ادامه کار تروریستی در هر بخشی از کشور که

توضیح نشریه سوسیالیسم امروز: این مقاله بخشی از یک مطلب جامعتری است که پیشتر تحت عنوان "ملزومات و ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی، ما برای یک جامعه آزاد، برابر، مرفه و سوسیالیستی مبارزه می کنیم!" در همین نشریه و دیگر رسانه ها منتشر شده بود. باز تکثیر بخش جمع بندی و آخر آن مقاله را بنا به تحولاتی که در پیشرو داریم و به ویژه به هدف جلب توجه جدی کارگران و نیروهای انقلابی و سوسیالیست و صف آزادیخواهانه ای که با واقعیتهای سرسخت تحولات سیاسی جاری و روند سرنگونی جمهوری اسلامی آشنای دارند، و به جای شانه بالا انداختن یا شعار دادنهای "رادیکال" و "مردمی" میخوانند در میدان واقعی نبرد طبقاتی پیروزی را از آن خود به مثابه جنبش کارگری، جنبش آزادیخواهی زنان و جوانان و اکثریت جامعه سرکوب شده دست دو نظام استبدادی و ضد آزادیخواهانه پادشاهی و اسلامی نمایند، مجددا اقدام به انتشار آن کرده ایم.

اگر قریب به یکسال پیش بیان حقایق زیر، که بخشا محصول جمع بندی ابژکتیو تجارب چهل سال گذشته و ناکامیهای قیام ۵۷ و غیره میباشد، برای برخی دشوار بوده، بنظر میرسد واقعیت سیر رویدادهای چند ماه اخیر در ایران و بیرون ایران نه تنها پذیرش ضمنی آن حقایقها، که ضرورت تامل و تلاش مسئولانه تر و بعضا ایجاد برخی تعدیل و تغییر در سیاستهای خود در جهت همسویی با آن واقعیتها و سیاستهای اعلام شده ما از طرف برخی از فعالین و نیروها صورت گرفته باشد. اکنون بیشتر امیدوار هستیم آنها که فراتر از شعار و آرزوهای خوش، اوضاع جاری را واقع بینانه تر میبینند و سیر پیروزی آزادی و کارگر و سوسیالیسم خواهی و آینده سرنوشت یک طبقه و جامعه بزرگ و مهم را در میان این همه مخاطرات و گرگهای که برایش در کمین نشسته اند، سخت تر، پیچیده تر و مستلزم آمادگیهای سیاسی، سازمانی، جنبشی و اقدامات عملی به مراتب متفاوتتر، گسترده تر، و فراتر از چند شعار سطحی و هیاهو حول "قیام مردم"، "انقلاب شد"، "سرنگون میشود" و غیره ارزیابی نمایند.

در اینجا ضمن فراخوان مجدد برای اقدام گسترده و بعضا مشترک در تدارک جدی این ملزومات و نیازمندیهای فوری جنبشمان، همچنانکه که پیشتر نیز از جانب حزب اعلام شده بود، یاد آوری میکنیم که حزب سوسیالیست انقلابی ایران در این زمینه ها با هر فعال کارگری و سیاسی و جریانی، در داخل و خارج کشور، که بخواهند با این روند مسئولانه رفتار نمایند و منافع جنبش و طبقه را بر هر چیزی ارجحیت دهند، مصمم باشند در تحقق آزادی و برابری و سوسیالیسم، آماده هر سطحی از همکاری و همفکری جدی است.

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی، نه به قدری نظامی!

ملزومات اولیه سیاسی-عملی ...

عنوان ارکان ارتش سرخ آزادی و بازوی مسلح کارگران برای دفاع از آزادهای سیاسی و امنیت اجتماعی و مقابله با عوامل جمهوری اسلامی و نیروهای سناریو سیاهی از مبرمیت بسیار زیادی برخوردار است.

۷- واقعیت این است که جمهوری اسلامی را صرفا با اعتراضات پراکنده و یا از کانال مبارزه "مدنی"، "حقوق بشری"، پروپاگاندا میدیائی" و یا کار "آگاهگرانه" و مردم را در

صف انتظار کشمکش های درونی رژیم نگاهداشتن و هر چهار سال یکبار به جدال "انتخاباتی" امیدوار نمودن را نمیتوان تضعیف کرد و به زیر کشید. این روند روند تضعیف خود ما بوده و هست. جمهوری اسلامی را فقط با زور، زور اعتراض و اعتصاب یکدست و گسترده کارگری و توده ای، همراه و همزمان با قیام مسلحانه توده ای گسترده که متکی است به هدف و نقشه روشن کمونیستی و آزادیخواهانه میتوان از سر راه برداشت.

۸- همچنانکه تاکید شد، به منظور به سرانجام رساندن مبارزه ۳۸ ساله طبقه کارگر، زنان و جوانان مترقی و سوسیالیست و برای دست یابی به سرنگونی انقلابی جمهوری جنایتکار اسلامی و ساختن یک جامعه آزاد و برابر و مرفه نیازمند فوری ایجاد احزاب سیاسی و سوسیالیستی انقلابی متعلق به این مبارزه و افق و استراتژی هستیم!

۹- کسب حمایت بین المللی نیروهای کمونیست، کارگری و افکار عمومی مترقی جهان به منظور مبرمیت سرنگونی جمهوری اسلامی، حمایت از مبارزه ما، و تاکید بر عدم دخالت موزیان دولتهای غربی علیه مبارزه آزادیخواهانه، سوسیالیستی، کارگری یک وظیفه مبرم و یکی از ملزومات تسریع کننده در امر سرنگونی جمهوری اسلامی است.

۱۰-

بدین ترتیب سرنگونی جمهوری اسلامی، سرنگونی که منجر به تکرار تاریخ تلخ دوره سال ۵۷ نباشد، نوعی از سرنگونی که در آن آزادی، برابری، کارگر، زن، جوان، انسانیت و سوسیالیسم پیروز گردد مستلزم تامین آن حداقلی است که مختصرا اشاره کردم.

ما سرنگونی رژیم چنچی نمی خواهیم، ما سیستم قومی و فدرالی نمی خواهیم، ما تکرار نظام ورشکسته شاهنشاهی را نمی خواهیم، ما هر شکلی از تلاش برای تبدیل ایران به سوریه و عراق کنونی را جنایت بزرگ ضد بشری می دانیم، ما هیچ شکل دیگری از قوانین و سیستم مذهبی را تحمل نمی کنیم، ما فقط برای آزادی و برابری و امنیت و رفاه همگانی و یک جامعه سوسیالیستی در ایران تلاش می کنیم. از نظر من اگر ما حاصل سرنگونی جمهوری اسلامی تحقق اهداف فوق نباشد، جامعه ایران، طبقه کارگر و مردم آزادیخوا و همه ما یکبار دیگر یازنده دست ارتجاع خواهیم بود.

ایجاد حزب سیاسی جدید سوسیالیستی و انقلابی را برای تحقق این امر مهم می خواهیم. داشتن یک حزب بزرگ، سیاسی، ملیتانت و اهل عمل یکی از پیش شرطهای اولیه و مهم هر تحول انقلابی به نفع کارگران و جامعه است. همه را به این تلاش و پیوستن به چنین تحرک و حزبی که در حال ساختن است فرامیخوانیم!

برای تدارک یک مبارزه انقلابی گام برداشت و بر روند سرنگونی جمهوری اسلامی و مخاطراتی که در پی دارد برخورد دقیقتری نمود. نادیده گرفتن این واقعیتها به عدم تلاش جدی برای پیروزی کارگر و زن و جوان و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی بر جمهوری اسلامی و بقیه نیروهای ارتجاعی دیگر منجر خواهد شد. بنظر من پیروزی ما در گرو تامین یک مجموعه اقدامات و فراهم کردن فوری ملزومات اساسی برای کسب پیروزی است. اگر متحدانه برای این مهم تلاش نمائیم و در این پروسه مبارزاتی جدی بوده و تعجیل داشته باشیم، تحقق آنها با توجه به نیازها، خواستها و زمینهای گسترده مبارزاتی و اجتماعی در یک پروسه مشخص زمانی بسیار ممکن است.

اهم این ملزومات عبارتند از:

۱- مخاطرات سناریو سیاه را با قدرت و صلابت سیاسی و اجتماعی رفع کرد.

۲- ضروری است که جنبشهای اجتماعی رادیکال کارگری، زنان و جوانان و رهبران آنها در قامت صاحب جامعه ظاهر شده و با ایجاد فوری تشکلهای توده ای مستقل از دولت به عنوان ابزارهای نبرد سیاسی و طبقاتی خلا بزرگ کنونی را رفع کرد.

۳- رهبران و فعالین جنبش کارگری و کمونیستی بیش از پیش ضروری است از گذشته درس بگیرند. بر ایجاد تحزب و صف مستقل و سوسیالیستی جنبش خودمان بیش از پیش پای فشاری کنیم. شعار "همه با هم" ترفند صف بورژوازیها و ارتجاع علیه جنبش ما است.

۴- علیه هر شکلی از نفرت قومی و مذهبی و هر جریانی که با پرچم قومی و مذهبی از جمله از نوع فریبنده و ارتجاعی مذهبی، (اعم از شیعه یا سنی)، یا پرچم و اهداف ویرانگر دیگر "ملی"، "فدرالی"، "مشروطه" یا پادشاهی" خود را تعریف کرده قاطعانه مقابله کنیم. علیه هر شکلی از دخالت هیئت حاکمه امریکا و غرب و اقدامات ضد انسانی آنها، اعم از تحریم اقتصادی یا اقدام نظامی باید با قدرت مقابله کرد.

۵- تحزب کمونیستی کارگران و فعالین جنبشهای آزادیخواهی از نظر من حلقه کلیدی در روند سرنگونی جمهوری اسلامی و دست یابی به آزادی و سوسیالیسم است. در همین راستا، تامین رهبری کمونیستی و همزونی سوسیالیستی در صحنه مبارزه سیاسی و طبقاتی ایران شرط اول به پیروزی رساندن روند سرنگونی جمهوری اسلامی با کمترین مخاطره و همچنین تنها پرچمی است که ایران بعد از جمهوری اسلامی مصادف خواهد شد با یک جامعه ای آزاد، برابر و مرفه و مدرن. در این راستا جنبش ما به احزاب سیاسی انقلابی و "حزب رهبر و سازمانده" نیاز مبرم دارد.

۶- سازماندهی میلیس مسلح توده ای در محل کار و زیست به

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

دولت دوازدهم روحانی و کاسه لیسان آن

بازندگان اصلی اند!

عزیز آجیکند



همراه دارند و سرانجام بسان آتش زیر خاکستر این مردم طغیان میکند و زنجیر فقر و بردگی را در همین خیابانها

ذوب میکنند. آنها ۴۰ سال جنگیدند و میجنگند تا در اعماق سیاه ترین شبها آفتاب قلبشان برای همیشه بدرخشد و نسل در نسل به پیش روند تا اینکه بتوانند به سیاهی ها پایانی بخشند.

خروش توده ای و مبارزات کارگری، تمام ایران را فرسنگ به فرسنگ در می نوردد و آرام نمیگیرد و برای یک لحظه هم در فکر فروکش کردن نیست و نفرت و بیزاری خود را روز به روز بیشتر و بیشتر میکند. امروز در خیابانها و دانشگاهها و مراکز کارگری نسل دیگری بر خود آمده، رشد کرده و و سینه خیابان را نشانه رفته است. این نسل چنان با شورو شوق در میدان مبارزه حضور دارد که به سادگی نمی توان از آن گذر کرد. نسلی به جان آمده و قصد شرکت در قدرتی را دارد که می خواهد با دستان خود و با نفس خود آنرا پایه ریزی کند. نسلی که می تواند نوید بخش فردای ایران و تغییرات جامعه فردای نسل خود باشد. نسلی که هیچ سر آشتی با اسلام و دین و جمهوری اسلامی ندارد. این نسل در واقع جوانانی هستند که میخواهند و میتوانند نقش آفرینی کنند. حال نسلی به خیابان آمده که تمایزی میان اصلاح طلب و اصولگرا قائل نیست، هر دوی آنرا تجربه و دشمن خود و مانع اصلی ترقی خود میدانند. قصد گذشت ندارد و مخالف جدی آنست و سرنگونیش را آرزو میکند.

خیزش خشمگینانه در ایران آغاز شده است و در صورت تامین هژمونی انقلابی و سوسیالیستی و به میدان آمدن متحدانه طبقه کارگر و صف مستقل آزادیخواهی میتواند کار خود را علیه رژیم اسلامی به نفع اکثریت جامعه یکسره کند. و این یعنی جمهوری اسلامی دیر یا زود باید برود. و این رفتن بدست خود ما و اتکا به خود باید به سر انجام برسد نه دخالت صفی از دشمنان شبیه خود جمهوری اسلامی در قالب امریکا و اپوزسیون ملی گرا و مذهبی! انقلاب مخملی و اصلاح طلب و اصول گرا و تغییر کابینه و استعفا و برکناری هر مسئول و مقامی نمی تواند ذره ای به داد رژیم جمهوری اسلامی برسد.

امروز دولت دوازدهم و کاسه لیسان این حکومت تحت هر نام و گروه و جناحی، بزرگترین بازنده گان میدان سیاست در ایران هستند. کارگران و زحمتکشان، زنان جوانان، زندگی آرامی میخواهند و برای آن مبارزه میکنند. روحانی و دولت تدبیر و امیدش بر خلاف ادعای همیشگی در نگاه به مردم و کارگران و زحمتکشان تفاوتی با دیگر جناحها و حتی جناح حاکم ندارند و بارها نیز خود آنرا به اثبات رسانیده اند.

با یک نگاه کوتاه به جامعه ایران و اوضاع سیاسی و شرایط سخت زندگی کارگران و زحمتکشان و توده های ستمدیده در میابیم که بحران همه جانبه و لاعلاج رژیم جمهوری اسلامی از مجرای فساد گسترده حکومتی، ورشکستگی بانکی و سیاست اقتصادی، گرانی و فقر، بیکاری گسترده، نابسامانی های اجتماعی بار دیگر خود را بعنوان معضل اساسی حکومت اسلامی طرح کرده است.

سالهاست که رژیم جمهوری اسلامی با همه جناحها و دارودسته اش از نظر سیاسی و اقتصادی به بن بست رسیده و سیاست اقتصادی روحانی نه آنکه پیشرفتی حاصل نکرده است بلکه به نتایج مورد نظرهم منجر نشده است. واقعیتی که حتی توسط خود برنامه ریزان رژیم جمهوری اسلامی و کارگزارانش انکار نمیشود.

اعتراضات و اعتصابات اخیر و خیزشهای خود جوش هر روزه ای توده های تحت ستم در ایران تحت لوای هر نام و هر بهانه ای، نقطه عطفی در توازن قوای موجود بین مردم ناراضی و جمهوری اسلامی پدید آورده است.

نابسامانی اوضاع موجود و بسترهای متنوع اعتراضی که اعتصابات و اعتراضات هفته های اخیر در بتن آن شکل گرفت و همه ارگانیزم جمهوری اسلامی را به اشکال مختلف به لرزه در آورد، نه تنها نفسش گرفته نشد بلکه اعتراضات عمومی دیگری را با خود همراه کرد. اعتصاب قهرمانانه کارگران فولاد اهواز تا آزادی کارگران دستگیر شده و دست یابی به برخی از مطالباتشان، اعتراضات گسترده در شهرهای خوزستان، اعتصاب در تعدادی از شهرهای کردستان، اعتصاب بازاریان در تهران، اصفهان، شیراز و برخی دیگر از شهرها و بالاخره در روزهای اخیر اعتراض گسترده مردم در خرمشهر و رویارویی جوانان با نیروهای سرکوبگر رژیم و گسترش اعتراضات به شهرهای دیگر خوزستان تنها نمونه هایی هستند که آشکارترین بیان تغییر توازن قوا در جامعه و پیشروی آگاهانه مردم در ایجاد خاکریزهای جدید جهت تدارک نبرد نهایی با رژیم است.

اعتراضات و اعتصابات کارگری همزمان با خیزشهای خود جوش توده ای که این روزها در اکثر شهرهای ایران و به مناسبتهای مختلف در جریان است، هر روز و هر ساعت و هر لحظه نظام طبقاتی و ضد انسانی جمهوری اسلامی را هم میلرزاند و هم شوکه میکند. آغاز فصل دیگری از این اعتراضات برای سران ریزو درشت جمهوری اسلامی، چندان خوشایند نیست و آنها را با موج دیگر از خشونت و نفرین روبه رو کرده است. توده های تحت ستم در ایران قلبشان شعله ور است و سوزان. ۴۰ سال است بار سنگین ظلم و ستم و نابرابری را به دوش میکشند و کوله باری از تجربه را با خود به

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

علل عدم تداوم اعتراضات چیست؟

آثر کیمیا

اعتراض هر روزه و هر لحظه وجود دارد، اما منظور از عدم تداوم اعتراضات گسترده ای است که در چند ماه اخیر چند بار اتفاق افتاده است و بعداً فروکش میکند. این ممکن است به عوامل زیادی بستگی داشته باشد، اما بنظر من نبود آینده روشن و آلترناتیو مورد قبول اکثریت جامعه یک علل پایدار در پراکندگی و خاموشی فوران خشم جامعه علیه حاکمیت سیاه اسلامی است. البته سرکوب و وحشیانه نیز تأثیرات زیادی داشته است.

باید توجه داشت بر بستر اعتراض عمومی، در هر جامعه ای در نهایت بخشهای مختلف اعتراضاتی باید اهداف متفاوت و ریشه ی طبقاتی نیز داشته باشد، و بطور مشخص منافع طبقه ای خاص را نمایندگی کند. یعنی چون یک کارگر مخالف حکومت اسلامی است الزاماً تا آخر پشت حرکتی که در برخی موارد سرش بیشتر به جای نامناسبی وصل است یا تحت تأثیر دیگر جریانات شبیه خود حاکمیت است راه نمیرود، حقش هم هست! تا جایی که به مبارزه جنبش ما بر میگردد در ایران این انسجام به علت ضعف تشکل یابی و اتحاد طبقه ی کارگر متأسفانه هنوز وجود دارد. به همین خاطر از همراه شدن با حرکتهای عمومی دیگر نیز با تامل رفتار میکند و بطور خود بخود دنبال دیگران صف نمیکشد.

یک مشکل عمومی دیگر ما در جامعه ایران بحران بی اعتمادی است. و با تداوم تحریم ها و عدم مهار تورم رکود و بیکاری فزاینده بر عمق این بی اعتمادی افزوده می شود. در اینجا منظور از بی اعتمادی فقط بی اعتمادی بین افراد نیست، نظر سنجی های موجود نشان از بیش از ۶۰ درصد بی اعتمادی به دیگران و اقدامهای نیروها و دولتها و اجتماع، ولو مثبت هم باشد، وجود دارد. این هم دقیقاً انعکاسی از وجود یک حاکمیت ضد مردمی در چهار دهه است. اعتماد افراد به اداره کنندگان جامعه و اعتماد به مجموعه حکمرانی بسیار پایین است. حتی بحث این نیست که دولتمردان دروغ می گویند بحث این است برای کثیری از مردم که قصد تنظیم امور روز مره خود را دارند سیستم تدبیر و مدیریت جامعه غیر قابل اتکا و پیش بینی است و افراد نمی توانند آینده خود را با اطمینان و اعتماد به کارایی سیستم گره بزنند.

گسترش ناامیدی در جامعه نیز زیاد است امید اجتماعی مهمترین سرمایه برای حل ابر چالش های ایران از چالش بیکاری تا چالش آب و بحران زیست محیطی و چالش نظام حکومتی و غیره است. در شرایط فعلی یا در شرایط پس از اعتراضات مساله مهم جامعه ایران گسترش ناامیدی است. بدین ترتیب مشکل درجه یک کشور ایران شناخت مشکلات آن نیست بلکه مانند مریضی است که پزشک درمان او را تشخیص داده و نسخه انرا هم نوشته ولی خود مریض علاقه ای به خوردن دارو ندارد. جمهوری اسلامی به عنوان حافظ منافع سرمایه داران مثل بقیه دولت‌های سرمایه داری مطیع و لااقل ساکت نگهداشتن طبقه کارگر و حفظ نیروی کار ارزان او را در راس وظایف خود قرار داده است. این رژیم چون از ابتدای تحمیل شدن به مردم ایران با امواجی از مبارزات کارگران و زنان تحت ستم و اقتشار حق طلب رو برو شده، ابزار سرکوب مادی و معنوی را در اولویت نخست خود قرار داده است.

بگذار فعلاً بر شمردن مسائل متعدد گریبانگیر جامعه در اینجا پرهیز کنیم، اما نباید بتوانیم برای حل مشکل مهم سر راه مبارزات و اعتراضات کنونی بی تفاوت باقی بمانیم. از ترامپ تا خاندان رجوی و پهلوی پول و میدیای سنگین هزینه کرده اند که اوضاع مبهم مبارزاتی جاری را به سوی اهداف خود سمت و سو بدهند. اما ما سوسیالیستها و زنان و جوانان مبارز نباید چنین امکان و اجازه ای به آنها بدهیم. کار سختی است اما ممکن است اگر بتوانیم آن فضای بی اعتمادی و ترس و بی‌الترناتیوی را به فضای اعتماد و آلترناتیوی انقلابی و حضور عملی - سوسیالیستی مبدل سازیم.

دولت دوازدهم روحانی و ...



این جریان در سال جاری و در تمامی اعتراضات و اعتصابات مردمی به خصوص در همه واکنشهای خود در قبال مردم و خیزشهای مردمی و اعتصابات و اعتراضات جامعه کارگری ایران همان موضعی گرفتند که وفاداران علی خامنه ای گرفته بودند و بدین شیوه و با عملکرد خود از مفاهیم دمکراسی خواهی و شعارهای بی اساس و بی ربط و دروغین خود عبور کردند و عملاً در همان جهتی گام نهادند که جناح اصول گرا برایشان کاشته بود. روحانی دیگر برگ برنده ای ندارد و یک بازنده است. بازنده ای که حتی اصلاحطلبان بریده از حکومت با کمک تنی چند از مقامات بالای سپاه پاسداران در فکر حذف آن بر آمده اند.

در چنین شرایط و اوضاع و احوالی لازم است که توانها و استعدادها را بالا برد و سعی و تلاش کرد تا بتوان نهایت استفاده را به نفع کارگران و زحمتکشان، از چنین شرایط پیش آمده برد و همراه و همگام با رهبران کارگری و مبارزین و فعالان کارگری، جوانان انقلابی و زنان و آزادیخواهان، به پیش رفت تا آخرین ضربه خود را بر پیکر نظام جمهوری اسلامی وارد کرد و در جهتی گام برداشت تا دیگر تجربه تلخ "انقلابات" دیگر تکرار نشود.

و این یعنی تلاش برای پیروزی کارگر و سوسیالیسم و استقرار یک نظام غیر دینی و غیر ملیگرائی!

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

بخشی از گزارشات و اعتراضات کارگری و توده ای در هفته ای که گذشت

تهیه و تنظیم: عزیز آجیکند

خبرها و گزارشات کارگری این هفته را با گزارشی از تجمع اعتراضی مردم آبادان علیه نبود آب آشامیدنی آغاز میکنیم

زمین خشک، لبان تشنه

این بار و در ادامه فریاد و اعتراض مردم خوزستان برای تأمین آب شیرین، شهرهای مختلف خوزستان به صحنه اعتراض شهروندانی تبدیل شده است که شعارشان "زمین خشک، لبان تشنه، آب آب، است. مردم خرمشهر و آبادان در گرمای طاقت فرسا و نبود آب شرایط بسیار دشواری را سپری می کنند. سرزمینی که بر ثروت نشسته اما در فقر غوطه ور است. مردم معترضند و از آب؛ این حیاتی ترین عنصر زندگی محرومند. در میان روزهای گذشته چندین تجمع اعتراضی در خرمشهر برگزار شد و مردم زیر آفتاب داغ با دبه و دست نوشته های متعدد و با "پزله" و "هل هله" های خشم نسبت به وضعیت آب معترض بوده و خواستار برکناری مسئولین بحران آب شدند و بهبود وضعیت آب را مهمترین خواسته خود اعلام کرده اند. با حضور نیروی انتظامی و تشدید فضای امنیتی و واکنش نسبت به حرکت اعتراضی مردم، کار را به خشونت کشیده شد. حضور نیروهای نظامی در این مناطق فضای سالیهای تلخ دوران جنگ و سختی آتش و ویرانی را تداعی می کند و شوربختانه هنوز مردم با گذشت سه دهه از پایان جنگ خرابیهای موشک ها، خمپاره ها و آوارهای شهر خود را نظاره گر هستند و گویا در شرایط جنگ بسر می برند.

در ادامه شبیه ۹ تیر مردم مجدداً به خیابانها می آیند و ندای اعتراض خود را سر می کشند. و اما دوباره حضور نیروهای امنیتی در این دو شهر به شکل چشمگیری افزایش می یابد و علاوه بر پلیس ضد شورش، نیروهای لباس شخصی نیز در گوشه و کنار شهر با مردم معترض برخورد و تعدادی از معترضان را دستگیر میکنند. در این وضعیت متأسفانه یک نفر جان خود را از دست می دهد و تعدادی نیز مجروح میشوند.

آتش سوزی در بازارچه گلشهر کرج

پس از چند ماه مقاومت غرفه داران بازارچه گلشهر کرج در مقابل شهرداری صبح روز دوشنبه تمامی مغازه های این بازارچه طعمه حریق گشتند. مغازه داران این بازارچه با دیدن غرفه های سوخته خود دست به تجمع زده و با سردادن شعارهای اعتراضی شهرداری را مسئول این حادثه دانستند. معترضان می گویند بعد از چندین ساعت صدای و سیما با حضور در محل حادثه از مغازه داران انتقاد کرد. کسبه بازار نیز با سردادن شعار "صدا و سمیای ما تنگ ما" نسبت به این اقدام صدا و سیما اعتراض کردند. به گفته مدیر عامل سازمان آتش نشانی کرج، هیچکدام از کسبه این بازار بیمه نبوده و بازارچه تخریب ۱۰۰ درصدی داشته است. مغازه داران می گویند از چند ماه پیش شهرداری قصد داشت مغازه های آنها را بگیرد ولی وقتی با مقاومت کسبه روبرو شده آنها را تهدید نموده است.

از سرگیری اعتراضات کارگران فرنگ و نازنج

روز دوشنبه ۱۱ تیر ماه، کارگران دو کارخانه فرنگ و نازنج به دنبال عدم تحقق وعده های مقامات رژیم در خصوص پرداخت دستمزدهای معوقه خود، تجمع اعتراضی برپا کردند. به گفته کارگران معترض، پس از تجمع اعتراضی چند روز پیش کارگران مقابل استانداری، فرماندار قزوین برای حل مشکلات کارگران یک جلسه با حضور مدیران شرکت تشکیل داد و در پایان جلسه قرار شد ضمن توافق با سرمایه گذار، قطعه زمینی را در تهران به نفع کارگران به فروش برسانند. آنها افزودند علیرغم گذشت چند روز از وعده فرماندار ولی تاکنون هیچ اقدامی در این خصوص صورت نگرفته است. گفتنی است درحال حاضر ۱۶۰ تن از کارگران نازنج معوقات مزدی دارند و تنها یکی از سالن های خط تولید آن فعال است.

اعتصاب و تجمع اعتراضی کارکنان شرکت فولاد سیرجان

روز دوشنبه ۱۱ تیر ماه، شماری از کارکنان شرکت فولاد سیرجان ایرانیان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود دست از کار کشیدند. معترضان که خواستار پرداخت دستمزد و مزایای معوقه خود می باشند با برپایی تجمع مقابل این شرکت اعلام کردند تا رسیدن به کلیه مطالبات معوقه خود دست از اعتصاب برنخواهند داشت. در همین خصوص یکی از معترضان می گوید شماری از کارگران این شرکت علاوه بر دستمزد معوقه، چندین ماه حق بیمه آنان به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نشده و در تمدید دفترچه های خود با مشکل روبرو شده اند.

جانباختن شش کارگر در محل کار

حوادث ناشی از کار سومین عامل مرگ و میر در جهان است و در ایران نیز براساس آخرین گزارشها و تحقیقات انجام شده دست کم سالانه حدود نزدیک به ۲۰ هزار حادثه ناشی از کار اتفاق می افتد که از این تعداد نزدیک به ۱۵ هزار حادثه در بخش ساختمانی برای کارگران به وقوع می پیوندد. ایمن نبودن محیط کار، فقدان آموزش های لازم به کارگران و نبود تجهیزات و امکانات پیشرفته و بی توجهی کارفرمایان این آمار در ایران بالاتر از استانداردهای بین المللی باشد. طبق آخرین اخبار روز دوشنبه ۱ تیرماه، ۵ کارگر کارخانه مقواسازی در پاکدشت بر اثر گازگرفتگی جان خود را از دست دادند. همچنین در جریان وقوع آتش سوزی در یک کارخانه تولید موادشیمیایی در جاده مخصوص کرج یک کارگر جانباخته است.

تماس با حزب سوسیالیست انقلابی

Iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org

بخشی از گزارشات و ...



در سایه سنن قرون وسطی و حکومت فاشیست الله بوشهر؛ ازدواج ۳۵۰ دختر زیر ۱۵ سال و ۷ کودک زیر ۱۰ سال در سال گذشته

تعطیلی شهرک صنعتی فرامان در کرمانشاه

بنابه این گزارش شهرک صنعتی فرامان در مساحت ۲۲۰ هکتار در نزدیکی شهر کرمانشاه با وجود ظرفیتهای بسیار، به دلیل مشکلاتی همچون واردات بی‌رویه، فرسودگی ماشین‌آلات، کمبود نقدینگی و سرمایه‌در گردش و بدهی معوقه امروزه در تعطیلی قرار دارد. سال گذشته نیز واحدهای تولیدی و صنعتی استان کرمانشاه یکی پس از دیگری در حال ورشکستگی بودند.

تجمع کارگران اخراجی پتروشیمی گچساران مقابل فرمانداری کارگران اخراجی مجتمع پتروشیمی گچساران به نمایندگی از همکارانشان مقابل فرمانداری گچساران تجمع کردند. شرکت پیمانکاری سازه بتونی سال ۹۶ بیش از ۷۰ کارگر را برای کار در پتروشیمی به گچساران انتقال داده است. کارگران اخیراً بدون پرداخت مطالبات اخراج شده‌اند و کارفرما آن‌ها را تحت فشار قرار داده که محل اقامت خود در گچساران را نیز ترک کنند. کارگران با تجمع مقابل فرمانداری گچساران، خواستار پرداخت مطالبات معوقه و بازگشت به کار شدند.

بازداشت موقت رضا شهابی و داوود رضوی هنگام بازگشت به تهران رضا شهابی و داوود رضوی دو تن از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران و رانندگان شرکت واحد روز چهارشنبه ۱۳ تیرماه به هنگام بازگشت به ایران برای مدتی کوتاهی در فرودگاه بازداشت شدند. این دو به دعوت کلکتیو سندیکاهای فرانسه برای حضور در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار و دیدار و گفتگو با مسئولان تشکلهای کارگران جهان به اروپا سفر کرده بودند. سندیکای شرکت واحد که خیر بازداشت دو نماینده خود را انتشار داده، اضافه کرده است، ماموران امنیتی رژیم به هنگام بازداشت وسایل همراه آنان را بازرسی و برخی وسایل آنان و نیز پاسپورت داوود رضوی را توقیف کرده‌اند. رضا شهابی و داوود رضوی پس از یک و نیم ساعت آزاد شده‌اند.

تجمعات قلعه بابک؛ تعداد بازداشت شدگان به ۱۷ تن رسید

به گزارش خبرگزاری هرانا، تا روز چهارشنبه ۱۳ تیرماه ۱۷ تن از فعالان ترک (آذری) در شهرهای مختلف استان های آذربایجان و اردبیل توسط ماموران اداره اطلاعات بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. حداقل ۹ تن دیگر نیز تحت تعقیب نیروهای امنیتی قرار گرفتند. «کیومرث اسلامی» در مغان، «فرج نوری» در اهر و «مرتضی یزدانی» در ارومیه سه فعالی هستند که پس از بازداشت، به مکان نامعلومی انتقال داده شده‌اند. با احتساب ۳ بازداشت شده جدید، شمار بازداشت شدگان ترک (آذری) این روزها به ۱۷ تن افزایش می‌یابد. کماکان احتمال افزایش این تعداد نیز وجود دارد.

احضار و بازداشت سه تن در سنندج، بوکان و کرمانشاه

خبرگزاری هرانا - یک شهروند کرمانشاهی به اتهام «تبلیغ علیه نظام» (بازداشت شد. همزمان یک نویسنده از اهالی بوکان توسط حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران در این شهرستان بازداشت گردید. در سنندج هم یک شهروند از سوی دادگاه این شهر مورد بازپرسی قرار گرفت.

سرکوب و کشتار مردم حق طلب و معترض را متوقف کنید!

سرکوب و کشتار مردم حق طلب و معترض را متوقف کنید! از هفته پیش اعتصابات، اعتراضات و تظاهرات ها علیه گرانی، فقر، بیکاری و نبود آب آشامیدنی در شهرهای زیادی شکل گرفته و به علت ناتوانی دولت و حاکمیت در برآورده نمودن مطالبات مردم همچنان با وسعت و قدرت روزافزون ادامه می‌یابد. حضور میلیونی امروز مردم در عرصه های مختلف اعتراضی، تداوم مبارزات و تظاهراتی دی ماه سال گذشته و اعتراضات و اعتصابات مردم پانه، تظاهرات های مردم کازرون، رانندگان کامیون، بازاریان و کل مردم به تنگ آمده از فقر، بیکاری و گرانی است، که حاکمان ناتوان از پاسخگویی به خواستههای برحق مردم، به عیب برای خاموش کردن صدای اعتراض و حق طلبی 80 میلیون انسان، به سرکوب و کشتار بی رحمانه متوسل شده اند. اما امروز می بینیم که نه تنها سرکوب و کشتار نتوانسته است مانع به خیابان آمدن مردمی که چهل سال است متحمل غیر انسانی ترین شرایط زندگی با اعمال شدیدترین فشارها و سرکوبها شده اند، نگردیده، بلکه حق طلبانه تر و متحدانه تر از قبل با تسخیر خیابان ها و میدانی شهرها خواهان تحقق خواستههایشان هستند. روز 9 تیر 97 مردم خرمشهر و آبادان که در اعتراض به بی آبی و بیکاری و فقر به خیابان آمده بودند، مورد یورش نیروهای سرکوبگر مسلح قرار گرفته و شرکت کنندگان در تظاهرات را مورد اصابت گلوله قرار داده که در نتیجه تعدادی کشته و زخمی شده اند. تظاهرات، اعتصاب و تجمع در اعتراض به هر موضوع و معضلی از ابتدایی ترین حقوق مردم است و نباید تحت هیچ توجیه و بهانه ای مورد سرکوب قرار گیرد. سرکوب و مورد اصابت گلوله قرار دادن معترضان، یک جنایت سازمان یافته است و باید فوراً متوقف گردد.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

10/4/1397

www.anjomanbfk.blogfa.com

@anjomanbfk

جنبش ما باید با هوشیاری و با صف و پرچم روشنتر و واحد تری به میدان بیاید. هیچ اعتراض "همگانی" تا آخر نمیتواند "همگانی" باقی بماند. همچنانکه دیدیم در اعتراضات اخیر هم کسانی که برای آزادی و علیه گرانی و فقر و علیه فساد و استبداد دولتی به میدان آمدند در ادامه با شعارها و "مطالباتی" روبرو شدند که هیچ ربطی به آنها نداشت. در نتیجه جنبش ما باید از همان گام نخست با صف و پرچم و مطالبه مستقل خود به میدان بیاید و اجازه ندهد ارتجاع سرمایه داری چه در درون حاکمیت و چه در اپوزسیون از آنها به عنوان نیروی خود برای اهداف ارتجاعی استفاده کنند. کسانی که برای دفاع از لچک بنفش مجاهدینی و یا سیستم نر سالاری پادشاهی به میدان می آیند هیچ ربطی به صف مبارزه آزادیخواهانه ما علیه نظام فاسد جمهوری اسلامی که سیاست و فرهنگ هر دوی اینها را در خود نمایندگی کرده است، ندارند. توجه به این امر مهم یکی از عواملی است که میتواند شکست و یا پیروزی ما را به عنوان جنبش آزادی و برابری و کارگری رقم بزند، از همینجا و در آغاز کار میتوانیم مانع تکرار تجربه تلخ سال ۵۷ باشیم. آنزمان بخشی از "چپ" نیز به همراه نیروهای راست چنین کلاه گشادی را سر مبارزین و جنبش ما گذاشتن و گفتند فعلا همه "ضد شاه" باشیم بعدا در فکر اختلاف سیاسی و حکومت آتی، فعلا برای "کشور" برای "میهن" و "همه با هم" تلاش کنیم. دیدیم دروغ گفتند و نتیجه اش شد خمینی جلاد و این حکومت وحشیهای اسلامی و دزد و فاسد و ویران کردن زندگی و هستی دهها میلیون انسان از قیام سال ۵۷ تا کنون، که هنوز هم داریم چوب آن کلاهبرداری سرمایه دارانه و حامیانشان را در ایران و دولتهای غربی شان میخوریم. (سلام زیجی)



iransocialist2017@gmail.com

www.simroz.org

۰۰۳۳۷۵۸۰۷۸۴۱۰ / ۰۰۴۷۹۲۸۳۱۳۷۶ / ۰۰۴۶۷۶۲۳۴۹۶۸۳



زنده باد آزادی، برابری، سوسیالیسم!

نشریه شنبه ها

منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار

مقالات در نشریه

سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
- حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijzi@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

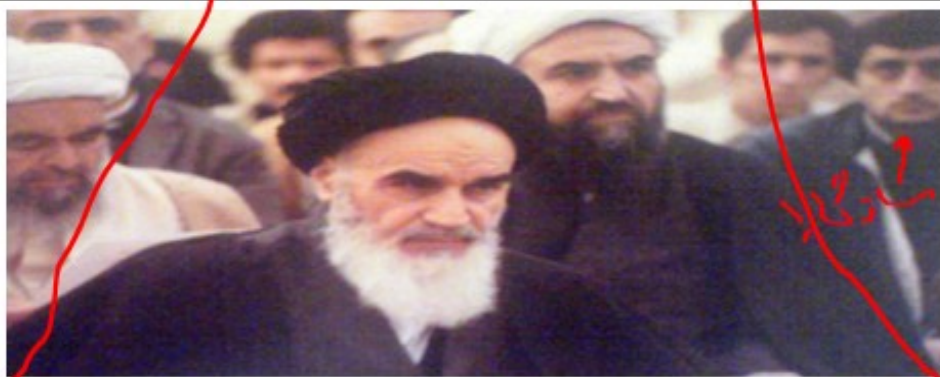
SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

وای به روز آن دسته از مردم مستاصلی که برای رهای از چنگ یک نظام جانی و فاسد به دیگر اعضای سیاسی همان خانواده و طبقه ضد آزادیخواهی در قالب "حکومت آمریکا و غرب" و یک مشت "ابوزسیون" و عناصر پناه میببرند که جز دفاع از سرمایه داری و استبداد، جز حقه بازی و دروغ، جز ریاکاری و دو دوزه بازی و جز فساد و سرسپردگی و مزدوری هیچ پرونده مثبتی در چنته ندارند! اینها آلترناتیو نیستند! خود مجرم و بخشی از پیکره نظام ظالمانه طبقه حاکمه اند!



۱۵۰ روزه حریف آمریکا و اسرائیل پس از ماهها برآمده از تعلیل یک کینه عمیق بود
روشنای او کشور را از تاریکی حکومت جنون انسانی فریاد...



نخستین گام در راه رهایی واقعی، عبور از همه این مرتجعین و دیگر همبالیگی های اینها است!

اخراج و بیکارسازی موقوف!